



اصول بایسته برای باز تولید امت معیار در اندیشه سید جمال

سمیه برزو اصفهانی^۱، روح الله شهیدی^۲، علی راد^۳

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.
۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.
۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده‌گان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

چکیده

سیدجمال‌الدین اسدآبادی از اندیشوران سده معاصر، در روزگاری می‌زیست که بیگانگان بر کشورهای اسلامی تسلط یافته و شرایط اجتماعی مسلمانان آشفته بود. اندیشه‌های او در باب فهم و تفسیر قرآن هم سرآغاز رویکرد و گرایش اجتماعی است که از آن با نام گرایش عصری، هدایتی و تربیتی نیز یاد می‌شود و هم جریان‌ساز بوده و تأثیری شگرف بر مفسران پس از خود دارد. مسئله اصلی این پژوهش بازیابی و تحلیل مستندات و داده‌های قرآنی در آثار سیدجمال است تا اندیشه قرآنی او را درباره اصول تعالی امتها و مصادیق امت تکامل‌یافته بازسازی نماید. یافته‌های پژوهش که با روش تحلیلی-توصیفی انجام گرفت، نشان می‌دهد سیدجمال امت نخستین اسلام را امتی باشکوه و تعالی‌یافته می‌داند و درصدد است که با بازخوانی آیات قرآن و دستیابی به اسباب تعالی امتها، امت نخستین را بازسازی کند. دستاورد این پژوهش بازسازی پانزده اصل دستیابی به امت معیار در دو حیطه نظری و رفتاری است. از اصول مهم در اندیشه سیدجمال جایگاه عالمان و مفسران قرآن است که بایستی افزون‌بر حکمت، خبرگی و احاطه علمی در مسائل نظری، در حیطه اجرا نیز وارد شوند. عالمان نخست باید از چالش‌های اجتماعی آگاهی یابد و درصدد رفع آن در ساحت‌های گوناگون سیاسی، تربیتی و اجتماعی برآیند.

امت معیار،

اندیشه تفسیری سیدجمال‌الدین اسدآبادی،

اصول بنیادین،

اصول کاربردی،

عالم و مفسر قرآن

کلیدواژه‌ها:

مقدمه و بیان مسأله

اسدآبادی اندیشه‌های نوین و جریان‌ساز در دانش تفسیر قرآن در روزگار معاصر پدید آورد. (طیب حسینی، ۱۳۹۶: ۳۹۳ و ۵۴۴) و بر رویکرد مفسران پس از خود تاثیر به‌سزا گذاشت. (خلیل زیاد محمد الدغامین، ۱۳۸۶) هرچند از سیدجمال تفسیری مستقل از قرآن برجای نمانده است؛ اما میتوان از طریق ردیابی و بازخوانی آیات قرآن و داده‌های تفسیری در آثارش به اندیشه‌های قرآنی دست یافت. در باور اسدآبادی امت نخستین معیار و مصداق پایبندی و عمل به آموزه‌های قرآن بودند و به همین سبب به شکوه، تعالی و تکامل دست یافتند. مسأله اصلی این پژوهش دستیابی به اسباب تعالی امتها در اندیشه سیدجمال با بررسی خوانش او از آیات قرآن است و تلاش دارد اندیشه او را در یک ساختار منطقی بازسازی کند و در پی ارزیابی دیدگاه او نیست.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

هدف این پژوهش بازبانی اصول رسیدن به امت معیار و تکامل یافته در اندیشه تفسیری سیدجمال است و سوال اصلی آن این است: در اندیشه تفسیری سیدجمال، چه اصول امت معیار کدام است؟

سوالات فرعی

اصول نظری امت معیار در اندیشه تفسیری سیدجمال چیست؟

اصول رفتاری امت معیار در اندیشه تفسیری سیدجمال چیست؟

پیشینه پژوهش

پژوهشیان پژوهش‌های زیادی را درباره منظومه فکری سیدجمال‌الدین در عرصه‌های گوناگون، جریان‌سازی و نقش او در بیداری اسلامی، دفاع یا نقد اندیشه‌هایش رقم زده‌اند. در این نوشتار، تمرکز بر مطالعاتی است که به دو محور «عوامل پیشرفت تمدنها» و «روش تفسیری» وی می‌پردازند.

یافته‌های مقاله «سیدجمال‌الدین اسدآبادی و زمینه‌های احیا و پیشرفت تمدن اسلامی» (شیرودی، ۱۳۹۸) نشان می‌دهد که سیدجمال به ضرورت تشکیل خلافت با ماهیت دینی باور داشت و جامعه فضیلت‌مند را ترسیم نمود.

کتاب «بررسی آراء و نگرش‌های قرآنی سیدجمال‌الدین اسدآبادی» (اصدق پور، ۱۳۹۸) و مقاله استخراج شده از آن «آراء تفسیری سیدجمال‌الدین اسدآبادی و ابعاد اجتماعی آن» (اصدق پور، پاییز و زمستان ۹۵) پژوهش دیگری است که آرمان اصلاحی سیدجمال را ایجاد جامعه اسلامی مبتنی بر وحدت می‌داند. پژوهشگر در این تحقیق با روش تحلیلی اسنادی در تفسیر آیات قرآن مقتضیات و موانع وحدت را تبیین کرده است.

الدغامین در پژوهش‌های «نواندیشی در نگره قرآنی سیدجمال» (زیاد خلیل محمد الدغامین، ۱۳۸۴) و «تأثیر سیدجمال بر رویکرد تفسیر در دوره معاصر» (خلیل زیاد محمد الدغامین، ۱۳۸۶) به تبیین اهداف و مبانی تفسیری سیدجمال، تأثیر او بر مفسرانی مانند عبده و رشیدرضا، تفاوت سیدجمال با آنها و نقد دیدگاه‌های مخالفانش پرداخته است.

تمایز مطالعات پیشین با پژوهش حاضر در این است که آنها یا با رویکرد فلسفه تاریخ از علل تعالی تمدنها در اندیشه سیدجمال سخن گفته‌اند یا چگونگی دیدگاه تفسیری او را بررسی کرده‌اند، این نوشتار با ترکیب این دو رویکرد، آثار وی را با

رویکرد تفسیری و چگونگی بهره‌گیری او از آیات قرآن بازخوانی نمود و دیدگاه او را درباره چگونگی دستیابی به جامعه متمدن بازیابی کرد. دستاورد این پژوهش بازسازی اصول امت معیار در دو سطح نظری و عملی است که در حیطه نظری به ۶ اصل بنیادین و در حیطه عملی به ۹ اصل کاربردی دست یافت.

روش تحقیق

پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی به جسجو در آثار سیدجمال پرداخت و تلاش کرد تمام داده‌های قرآنی سیدجمال درباره اسباب تکامل امتها را بازیابد. برای این منظور آیات قرآن و داده‌های نظری سیدجمال درباره تفسیر و چگونگی تعالی امتها از کتاب ۹ جلدی *الأعمال الكاملة* مطالعه و تحلیل شد و نتایج آن در یک ساختار منطقی ارائه گردید.

شرح مفاهیم

امت معیار

منظور از امت معیار، امت متمدن است که برپایه آیات قرآن دارای اصول بنیادین هستند. در اندیشه سیدجمال امت نخستین یعنی صحابه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و تابعین با پایبندی و عمل به این اصول مصداق مهم این امت هستند که توانستند حکومت ایجاد کرده و مناطق زیادی را تحت تصرف خود درآورند و به تعالی و تمدن دست یابند.

اندیشه تفسیری

سیدجمال در نگاشته‌های خود از آیات قرآن بهره‌گرفته و برپایه آن تلاش دارد که اسباب کمال و انحطاط امتها را بیابد. چگونگی استنادش به آیات قرآن اندیشه تفسیری او را آشکار می‌سازد. سیدجمال گاه به فرازی از آیات و گاه به یک یا چند آیه قرآن استناد می‌کند. در این پژوهش فرازهای استنادی سیدجمال بیان شده و به‌آدرس آیات کامل اکتفا گردیده‌است.

یافته‌های پژوهش: هدفمندی دانش تفسیر: عرضه امت معیار

سیدجمال به‌عنوان یک مصلح با خوانش و فهم قرآن به‌دنبال دستیابی به امت مطلوب است تا امت نخستین اسلام را بازسازی کند و مسلمانان معاصر را از خطر انحطاط برهاند. می‌توان بایسته‌های امت مطلوب را در باور او در دو حیطه نظری و عملی بخش‌بندی نمود.

حیطه نظری

حیطه نظری یا اصول بنیادین جنبه‌های اندیشه‌ای، معرفت‌شناسانه، انتزاعی و اعتباری دارد. پژوهش حاضر شش اصل بنیادین امت معیار را از نگاشته سیدجمال بازیافت که جنبه‌های هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه و انگیزشی دارد و در ادامه از آنها سخن خواهد رفت.

اصل اول: بایستگی و بسندگی اسلام برای کمال

سیدجمال در نگاشته‌های گوناگون با بهره‌گیری از آیات ذکر و تذکر، سیر در زمین، سنت‌های الهی درصدد اثبات برتری دین اسلام بر سایر ادیان و بسندگی آن برای کمال افراد و امتهاست؛ هرچند نکات دیگر را نیز در قالب این آیات بیان می‌کند. آیات سیر در زمین و سنت‌های الهی در اصل قانونمندی تاریخ خواهد آمد و دیگر آیات در اینجا تقریر می‌شود.

مقاله «النصرانیةوالإسلام وأهلها» با آیه ۳۷ سوره قاف آغاز می‌شود و از تغییر روش مسلمانان و مسیحیان سخن می‌گوید که سبب انحطاط مسلمانان و ترقی مسیحیان شد. گویا نویسنده دو نکته را از مصادیق ذکر به‌شمار می‌آورد. نخست: نقش بنیادین دین و عمل به آموزه‌های آن در دستیابی به شکوه. دوم: اکتسابی بودن دستیابی به کمال یا انحطاط. نویسنده با نگاه تاریخی به گذشته و حال مسلمانان و مسیحیان، سبب شرایط آشفته مسلمانان را در دوری از آموزه‌های دین تحلیل می‌کند. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ه، صص ۱۱۶-۱۲۱) همچنین آیه ۵۵ سوره ذاریات آغازگر نگاشته «فضایل و رذایل و اثرهما» است که فرمان به تذکر و یادآوری می‌دهد. گویی سیدجمال بر آن است که مصادیقی از تذکر سودمند برای مومنین را یادآوری کند. مطالب او در اینجا به گونه‌های گوناگون از نقش دین در کمال انسان و پیامدهای بی‌دینی سخن می‌گوید. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، صص ۱۴۶-۱۵۶)

گویی نویسنده اصل باورمندی و عمل به آموزه‌های دین یا دوری از آن را عامل اصلی صعود یا فروپاشی امت‌ها، یکی از سنت‌های الهی و تذکری سودمند می‌داند که مطالعه تاریخ و سیر در زمین آن را به اثبات می‌رساند.

اصل دوم: قانونمندی تاریخ

در باور سیدجمال بر پایه آیات سنت‌های الهی و سیر در زمین صعود، فروپاشی، تبدیل و تغییر امت‌ها قانونمند است و نشان از حکمت و عدل الهی دارد.

سیدجمال نگاشته «ماضی الامه و حاضرها و علاج عللها» را با آیه ۶۲ سوره احزاب از آیات سنت‌های الهی آغاز می‌کند و بر آن است تا دوران شکوهمند آغازین مسلمانان و شرایط نابسامان امروز آنها را براساس عمل یا ترک قوانین دین و وقوع بدعت که اصلی در دین ندارد، تحلیل کند. اسلام اصول استوار و قواعد محکم و حکیمانه‌ای دارد که مبانی اجتماعات بشری و راه‌های حفظ آن را بیان کرده و باورمندان را به همه فروع مدنیت رهنمون می‌سازد، سبب الفت میان نفس‌ها، پاک‌کننده دل‌ها از پلیدیهاست و انسان را در همه آنچه در اجتماعات بشری به آن نیاز دارد، کفایت می‌کند. آدمی تنها از طریق آموزه‌های دین می‌تواند به شکل کامل و بایسته به مدنیت و قوانین تاریخ دست‌یابد. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، صص ۱۰۷-۱۱۵) در نگاشته‌ای دیگر با استناد به این آیه از سنت‌های ثابت الهی سخن می‌گوید. بر پایه این سنت بقاء و رشد امت‌ها با آراسته شدن به فضایل و انحطاط آنها با خالی شدن از فضایل روی می‌دهد و در این میان دین اساس دستیابی به فضایل است. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، صص ۲۱۳؛ اسدآبادی، ۱۴۲۳، صص ۲۴۰)

نگارنده در آغازین سطور، «اسباب حفظ الملک» آیات ۴۶ سوره حج و ۱۱ سوره انعام را می‌نگارد، که از آیات سیر در زمین است و بر آن است تا در این مقاله سبب‌های حفظ یا فروپاشی حکومتها را بیان نماید. اهمیت اسباب حفظ ملک تا بدان جاست که کوتاهی در هریک از آنها پایه‌های حکومتها را ناستوار کرده و مقدمات فروپاشی آنها را فراهم خواهد ساخت. در باور او مطالعه و سیر تاریخ اثبات‌کننده نقش بنیادین دین در کمال و سعادت بشر است. صاحبان عقل و بصیرت با پیگیری حوادث عالم و امت‌های گذشته، تدبیر در چگونگی دگرگونی امت‌ها و عبرت از قصه‌های خداوند در کتاب قرآن درمی‌یابند که اسلام

قوانین پایداری و انحطاط امتها را بیان کرده است. نویسنده راه نداشتن ظلم در ساحت کبریایی الهی را نیز براین اساس تحلیل می‌کند و از فراز «وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا» (کهف/۴۹) به‌عنوان شاهد بر مطلب بهره می‌برد. خداوند حکیمی که رحمت او بر خشم او پیشی گرفته است، برای هر حادثه‌ای در جهان هستی سببی قرار داده و هیچ عملی از سوی او بدون علت و بیهوده نیست، به‌همین جهت ظلم در ساحت او راه ندارد. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ الف، صص ۲۰۰-۲۰۱) سیدجمال هنگام بیان علل انحطاط امتها در مقاله «فضایل و رذایل» با استناد به فراز «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ» (روم/۴۲) از نقش اساسی دین در دستیابی به فضایل و اعتدال در اصول اخلاقی یاد می‌کند و این مهم را از اسباب بایسته و بنیادین سعادت بشر معرفی می‌کند. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ان، ص ۱۵۴)

گویی آیات سیر در زمین، بشر را به پیجویی و فراگیری اسباب و علت‌های صعود، فروپاشی و تبدیل امتها فرا می‌خواند و از انسان می‌خواهد از این طریق به عدل الهی دست‌یابد. سیر در زمین نشان از راه‌نیافتن ظلم در ساحت الهی دارد و روشن‌می‌سازد، تنها با آگاهی و عمل به دستورات دین می‌توان به سعادت دست‌یافت و چگونگی عملکرد افراد در امتها، چگونگی کمال یا انحطاط امتها را رقم خواهدزد.

اصل سوم: باور به سنت الهی امتحان مؤمنان

نویسنده با استناد به آیات ۲ و ۳ سوره عنکبوت امتحان مؤمنان توسط خداوند را یکی از سنت‌های الهی می‌داند. مؤمنان باید بدانند که ایمان تنها به ادعا، سخن و توهم نیست بلکه بایستی آثار ایمان در افکار، اراده‌ها و اعمالشان آشکار شود. خداوند عادل، مؤمنان را در ادعای ایمان خود امتحان می‌کند تا بر آنها روشن شود که تنها ادعای ایمان دارند یا ایمانشان حقیقی است.

ایمان رهاکردن نفس، ثروت و شهوات و قراردادن آن تحت اوامر الهی است و هنگامی امکان‌پذیر است که مومنان، به خدا و رسول بیش از خود محبت داشته‌باشند. فرد مومن به نداکننده ایمان، بلافاصله و بدون عذر و بهانه پاسخ‌می‌دهد و این از نشانه‌های ایمان است. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ح، صص ۱۹۷-۱۹۸) نویسنده ادعای ایمان مسلمان زمان خود را به چالش می‌کشد چراکه آنها در برابر شرایط آشفته و حکومت بیگانگان بر خود بی‌تفاوت هستند. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ز، ص ۱۶۷)

اصل چهارم: وابستگی سرنوشت افراد و جامعه به انتخاب و تلاش

سیدجمال، ورود اندیشه‌های جبرگرایانه را از اسباب مهم شرایط آشفته مسلمانان می‌داند. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ه، صص ۱۲۱-۱۲۰) در باور او دستیابی به سعادت و کمال یا انحطاط و فروپاشی برای افراد و امتها امری اکتسابی است و جبری و تصادفی نیست و تنها عمل براساس آموزه‌های دین سعادت را برای بشر رقم‌می‌زند. گویی بیان این اندیشه از مصادیق ذکر است؛ از آنرو که این سخن را با آیه ۳۷ سوره قاف آغاز می‌کند.

اسدآبادی هدف از نزول پیامبران، ارسال کتاب‌های آسمانی و عمل به آموزه‌های دین را براساس رحمت الهی و توانایی انتخاب انسان تحلیل می‌کند. انسان برای بهره‌وری از استعدادها و قابلیت‌های روحی و جسمی خود و دستیابی به سعادت نیازمند مربی و هدایتگر است تا به‌واسطه تربیت، عادات و ملکات اخلاقی در او ایجاد شود و این مهم به‌واسطه آموزه‌های دین صورت می‌گیرد. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ه، صص ۱۱۶-۱۱۸؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ الف، صص ۲۰۰-۲۰۱) مطالب پیش‌گفته روشن ساخت که از یک سو چگونگی باورها و اعمال افراد امت، چگونگی کمال یا انحطاط امت را ترسیم میکند و اختیار، انتخاب و تلاش انسان در سرنوشت افراد و امتها نقشی حیاتی دارد؛ از دیگر سو آگاهی و عمل به آموزه‌های دین

در دستیابی به سعادت نقش بنیادین دارد. از این روی خداوند بر اساس رحمت خود آموزه‌های دین را از طریق پیامبران برای دستیابی به سعادت هم در سرای دنیا و هم در سرای آخرت به سوی بشر فرستاد.

اصل پنجم: امیدواری و طلب‌مجد

نویسنده با استناد به فرازهای «إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف/۸۷) «وَمَنْ يَفْنَطْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (حجر/۵۶) طلب‌مجد (میل به برتری) و امل (امید و اعتماد به نفس) برای دستیابی به هدف را از خصوصیات آفرینش، تقدیر و قضای خداوند، نعمت فطری انسان چه به شکل فردی و چه به شکل جمعی می‌داند که او را بر سایر موجودات برتری می‌بخشد. شاید استناد دیگر سیدجمال به فراز «ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ» (یس/۳۸) دلیلی برای تقدیری دانستن این ویژگی فطری برای انسان است.

طلب‌مجد تلاش برای دستیابی به هر آن چیزی است که در عالم انسانی فضیلت و کمال شمرده می‌شود. مقصود از امل، رجاء یا امید است که سبب تلاش، پایداری و شکیبایی در برابر سختی‌ها برای دستیابی به هدف (مجد و رفعت) می‌شود و مراد از آن آرزو (الامنیة و التشهی) نیست که انسان تنها در خیالات خود و بدون تلاش، آرزوی رسیدن به مقصود داشته باشد. طلب‌مجد و امید، تا زمانی که انسان زنده است در او جریان دارد؛ چراکه حد و اندازه‌ای برای کمال انسان نیست. اگر انسان در رسیدن به مجد دچار چالش شود در خود ناتوانی می‌یابد و چه بسا برای دفاع از شرف، طلب‌مجد و کرامت جان دهد. سیدجمال در پیوند توحید با امیدواری، متعلق امید را خداوند قادر بی‌انتهای معرفتی می‌کند. مستقل دانستن اراده، توانایی و اتکا به آن بدون توجه به قدرت مطلق از سوی بشر، هنگام مواجهه با سختی‌ها و دست‌نیافتن به اهداف، فساد و تباهی در طلب‌مجد و امید را به همراه دارد. اما اگر انسان به تلاش خود اتکا نداشته و بر این باور باشد که خداوند قادر مطلق پشتوانه اوست، هیچگاه به ناامیدی مبتلا نمی‌شود. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، صص ۱۶۹-۱۷۵)

اصل ششم: وعده‌های امیدبخش الهی

سیدجمال به آینده‌ای روشن برای مسلمانان و برون‌رفت از شرایط نابسامان‌شان امیدوار است. این عقیده هم ریشه در مبنای اعتقادی دارد و هم عملکرد مسلمانان نشان از آن دارد.

نویسنده برای اثبات مبنای اعتقادی خود در نگاشته‌های گوناگون، به آیات ۱۰۵ سوره انبیاء (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، ص ۲۱۱؛ اسدآبادی، ۱۴۲۳، ص ۲۳۹)، ۵ سوره قصص (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، ع: ۲۰۶-۲۰۸) و فرازهای «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور/۵۵) (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، الف، ص ۲۰۵) «وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ» (روم/۴۷) «وَ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون/۸) «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» (فتح/۲۸) (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، ص ۲۱۱؛ اسدآبادی، ۱۴۲۳، ص ۲۳۹) استناد می‌کند که وعده نصرت و پیروزی به مؤمنان و صالحان می‌دهد و در میان مسلمانان نخستین تحقق یافته است. تازمانی که تلاوت قرآن در میان مسلمانان باقی و قرآن امام و راهنمایان است، حقیقت از بین نخواهد رفت و نابودی در این امت راه نخواهد داشت. این وضعیت آشفته عارضه‌ای است که بر مسلمانان وارد شده و از بین خواهد رفت.

او ادیان یهودی، مسیحی و اسلام را حقیقت واحد میدانند که پیروان آنها تنها به نام این ادیان نامیده شده‌اند و حقیقتا به آن عمل نمی‌کنند. به همین سبب آیه ۲۸ سوره فتح برای این ادیان تحقق نیافته است. (اسدآبادی، ۱۴۲۳، الف، ص ۲۳۹)

خلوص در ایمان، یقین به وعده‌های نصرت الهی را به‌همراه دارد و تحقق آن به پایبندی مسلمانان به وحدت، بیزاری از ذلت و امیدواری به وعده‌های الهی بسته است. هم‌چنین امید به وعده‌های الهی در آیات قرآن، سبب طلب مجد و تسلیم نشدن در برابر ظلم و ذلت در مومنان می‌شود. بدین‌سان اندیشمندان دینی باید تلاش خود را برای وحدت و اصلاح بین مسلمانان به کارگیرند و بدانند کسانی که خداوند قلبهای آنها را با ایمان گشوده‌است، حرکت می‌کنند و به یاری و نصرت الهی یقین دارند. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، ص ۱۵۶؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، ص ۱۶۷؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، ص ۱۷۵)

عملکرد مسلمانان نیز امیدوارکننده و نشان‌می‌دهد که آماده دریافت حق هستند. کسانی که آماده دریافت حق هستند، طبق فراز «مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْسِدًا» (الکھف/۱۷) خداوند آنها را هدایت خواهد کرد. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، ص ۱۲۱؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، ص ۲۱۶)

براساس آنچه گذشت برخی آیات در اندیشه سیدجمال مصادیق گوناگون دارد که گاهی در گذشته و گاهی در آینده جریان می‌یابد. برای نمونه آیات ۱۰۵ سوره انبیا و ۴۷ روم هم برای مسلمانان نخستین تحقق یافته‌است، هم وعده امیدبخش خداوند به مسلمانان در صورت عمل به آموزه‌های اسلام و پایبندی به وحدت در آینده است.

حیطه رفتاری

حیطه رفتاری، اصول کاربردی هستند که معطوف به مقام عمل و اجراست و در خارج تحقق می‌یابند. این پژوهش با مطالعه و تحلیل داده‌های قرآنی در آثار سیدجمال به ۹ اصل در حیطه رفتاری دست‌یافت. اسدآبادی به رکن بودن وحدت و برتری جویی تصریح دارد که پایه‌های امت مطلوب را بنامی‌سازند و بدون آنها رسیدن به کمال اجتماعی ممکن نیست. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، ص ۱۶۵) سایر اصول غیررکن هستند که در این نوشتار پس از این ارکان آمده‌اند.

اصل اول: پایبندی به وحدت

وحدت از اصول بایسته امت معیار در نگاه اسدآبادی است و پایه‌های آن را استوار می‌سازد. از سنت‌های خداوند در اجتماعات بشری این‌است که بهره‌امتها از وجود به میزان بهره آنها از وحدت بسته است و رشد، عظمت، تعالی و برتری امتها به‌واسطه اتحاد مؤمنان با یکدیگر پدیدمی‌آید. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، ص ۱۶۳) سیدجمال درباره وحدت در نگاشته‌های گوناگون هم به آیات مختلف و برخی روایات بدون بیان سند استنادمی‌کند و هم مقتضیات وحدت را شرح می‌دهد. آیات و روایاتی شاهد بر این بحث را می‌توان به دو گونه ایجابی و سلبی تقسیم نمود.

آیات و روایات ایجابی نیز به دو بخش قابل تقسیم هستند. بخش نخست فراز «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳) (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، ص ۱۲۲؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، ص ۲۰۱) و حدیث «یدالله مع الجماعة» است که مسلمانان را به‌صورت مستقیم به وحدت فرامی‌خواند. بخش دوم از گونه نخست فرازهای «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات/۱۰)، «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ» (حجرات/۹) است که پایه‌های اتحاد امت را پی‌ریزی می‌کند و روابط میان مسلمان را استوارمی‌سازد. نویسنده با اشاره به آیه ۲ سوره مائده همکاری در بر و تقوی را براساس وحدت تحلیل می‌کند. همکاری در گفتار حق و برافراشتن پرچم امت، برترین همکاری در باور اوست. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، ص ۱۶۵) او از مسلمانان می‌خواهد که تعصب دینی خود را در وحدت به کارگیرند و در بر و تقوی با یکدیگر همکاری نمایند نه در اثم و عدوان. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، ص ۱۳۹) استناد به روایات «الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُا بَعْضًا» «لَا تَقَاطَعُوا و لَاتَدَابِرُوا و لاتحاسدوا

كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا» «لو دعیت الی حلف الفضول لعلت» از پیامبر (صلی الله علیه و آله) از دیگر استنادات او در این بخش است.

گونه دوم فرازهای «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ» (آل عمران/۱۰۵) (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ز، صص ۱۶۵-۱۶۶) و «أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال/۴۶) (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳و، ص ۱۵۷؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳الف، ص ۲۰۱) است که سلبی بوده و مسلمانان را از اختلاف و تفرقه بازمی‌دارند.

مقتضیات وحدت

وحدت موضوعی پرتکرار در نگاشته‌های سیدجمال است که گاهی به صورت مستقیم از آن سخن گفته و آن را موضوع مقالات خود قرار داده است و گاه مقتضیات وحدت را بیان می‌کند.

دیانت مشترک

در باور نویسندگان اساس ارتباط در آموزه‌های اسلام بر پایه فراز «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات/۱۳) نه بر حسب، نسب و ملیت بلکه بر پایه اعتقادات مشترک است که محکم‌ترین ارتباط میان مسلمانان را پی‌ریزی می‌کند و تسلیم‌نشدن در برابر بیگانگان و جلوگیری از سلطه آنها را به دنبال دارد. بر اساس فراز پیش‌گفته امتیاز تنها از آن متقین است. کسانی که در حفظ و دفاع از شریعت از دیگران سبقت گیرند.

مسلمان به دلیل تدابیر اسلام هم بی‌میل به تعصب بر ملیت و نژاد هستند و هم با استناد به حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله): «لَيْسَ مِنْنا مَنْ دَعَا إِلَى عَصْبِيَّةٍ وَلَيْسَ مِنْنا مَنْ قَاتَلَ عَلَى عَصْبِيَّةٍ وَلَيْسَ مِنْنا مَنْ مَاتَ عَلَى عَصْبِيَّةٍ» آن را ناروا می‌دانند و این امر در اعتماد به خداوند، حاکم برتر و فرمانروای آسمانها و زمین نهفته است که همه قدرتها در برابر عظمت او ناچیز به‌شمار می‌آیند.

حاکم امت مسلمان کسی است که مسلمان یقین به اجرای دستورات الهی از سوی او برای حفظ حق و از بین بردن شر دارند، اطمینان و اتکا به چنین حاکمی آنها را از تعصب بر ملیت و نسب بی‌نیاز می‌سازد. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، صص ۱۰۳-۱۰۶؛ اسدآبادی، ۱۴۲۳ج، صص ۳۲۳-۳۲۶)

نویسنده با استناد به فراز پیش‌گفته شیعیان و اهل سنت را به وحدت فرامی‌خواند و نزاع آنها را بر برتری امام علی (علیه السلام) یا خلفا نزاعی بی‌حاصل می‌داند که سودی به حال آنها ندارد و امام علی (علیه السلام) و خلفا نیز از این نزاع خشنود نیستند (اسدآبادی، ۱۴۲۳ه، ص ۱۵۲) آنچه گذشت روشن ساخت که ارتباط دینی محکم‌ترین ارتباط میان مسلمانان است که مایه وحدت، بازدارنده از نژادپرستی است و از مولفه‌های امت معیار نزد سیدجمال است.

کسب فضایل و دوری از رذایل

از نگاه نویسندگان کمال یا نقص انسان اکتسابی است و کمال او در به دست آوردن فضایل و نقص او در آلوده شدن به رذایل نهفته است. فضایل پایه اتحاد، انسجام و هماهنگی اعضای یک ملت را بنیان می‌نهد، بدنه امت را از ورود جریان بیگانه حفظ می‌کند و مانع انحلال آن می‌گردد.

نویسنده با استناد به سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) «إِنَّمَا بُعِثَ لِأَتْمَمِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ» برترین امت در دستیابی به فضایل را مسلمانان می‌داند و با استناد به آیه ۱۱۷ سوره هود مصلحان را کسانی می‌داند که در پی دستیابی به فضایل هستند. شاید او بیان این مطلب را از مصادیق ذکر می‌داند به سبب آنکه سخن خود را با آیه ۵۵ سوره ذاریات آغاز می‌کند.

اهمیت فضایل در پایداری امت بدین سبب است که امت همانند یک شخص واحد می‌شوند و افراد افزون بر ساختار کلی امت در برابر هیچ فردی کوتاهی نمی‌کنند. همچنین افراد دارای فضیلت بر مدار حق حرکت می‌کنند و حرکت بر مدار حق سبب حفظ حقوق سایرین و مانع تجاوز به آنها خواهد شد. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، صص ۱۴۹-۱۵۲)

ارزشمند دانستن فضایل و مدح راستین

از دیگر مقتضیات وحدت و شاخصه‌های امت مطلوب ارزشمند دانستن ارزش‌ها نزد عموم افراد امت است که سبب برانگیخته شدن اراده‌ها برای انجام ارزشها، وحدت، تجدید قدرت و پیشرفت می‌شود و مانعی برای پایداری ظلم ظالمان است. خداوند برای تایید مدح و ستایش حق در آیه ۴ سوره شرح بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) خود منت گذاشته و در آیه ۱۱ سوره ضحی اجازه داده است که از نعمت اعمال نیکو سخن گویند.

از سنت‌های الهی این است که اراده بشر پس از دو مرحله بر انجام یک عمل قرار می‌گیرد. در مرحله نخست انسان غایت و هدفی را تصور می‌کند که بهره آن به او بازمی‌گردد و در مرحله دوم یقین یا ظن قوی می‌یابد که آن هدف و غایت برای او سودمند است. در این میان مدح و ستایش ارزش‌ها نقشی مؤثر در برانگیختن اراده‌ها دارد. سیدجمال میل به ستایش حق را میلی فطری، نیرومندترین میل‌ها، سبب برتری انسان بر سایر موجودات می‌داند که خداوند بر بنیان حکمت خود در درون انسان قرارداد و در ایجاد وحدت و دستیابی به امت مطلوب نقشی به‌سزا دارد. قید حق و راستین این نوع ستایش را از مدح و ستایشهای باطل و دروغین متمایز می‌سازد. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، صص ۱۸۱-۱۸۵)

تعصب معتدل

نویسنده تعصب را از صفات درونی انسان و روح کلی امت می‌داند که سبب شکل‌گیری شعوب، حمایت افراد از حقوق یکدیگر می‌شود و انسجام و وحدت امت را در پی دارد و اگر همانند سایر صفات به اعتدال درآید و بر شالوده صحیح پی‌ریزی شود، از مقدس‌ترین، بافضیلت‌ترین، سودمندترین اخلاق است. چنین می‌نماید که بیان فراز «اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مَن دُونَهُ أُولَئِكَ» (اعراف/۳) در آغاز مقاله نشان از تعصب معتدل در اندیشه نویسنده دارد و مسلمانان را از نزدیک ساختن به بیگانگان بازمی‌دارد.

در اندیشه نویسنده تعصب صحیح دو شرط استوار دارد. یکی آنکه بر پایه حدیث پیامبر (صلی الله علیه وسلم) «لیس منّا من دعا إلى عصبیة» بنیان آن بر عقاید و دین، نه نسب یا ملیت نهاده‌شود. دیگر آنکه براساس فراز «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِینَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِینَ وَ الْأَقْرَبِینَ» (النساء: ۱۳۵) به اعتدال باشد و افراط و تفریط در آن راه‌نیابد چراکه کوتاهی در آن سستی، تفرقه و مساعد شدن زمینه برای تجاوز بیگانگان و افراط در آن ظلم و تعدی را به همراه دارد.

از فضایل اسلام فرمان به تعصب دینی براساس عقاید مشترک میان مسلمانان همراه با عدالت است به سبب آنکه عدالت تعصب دینی را به اعتدال و کمال می‌رساند. اسلام پیروان خود را به رعایت تقوی، حفظ حدود، حفظ حرمت ادیان توصیه می‌کند و از ظلم بر سایر ملت‌ها باز می‌دارند به گونه‌ای که هنگام برتری اسلام، ادیان دیگر اختیار دارند که به دین اسلام درآیند یا با آزادی در اعتقادات خود و پرداخت مقداری مالیات در کشورهای اسلامی زندگی کنند. اعتدال در تعصب در آموزه‌های اسلامی بی‌نظیر است و در هیچ یک از امت‌ها و ادیان به دست نمی‌آید. استدلال‌های عقلی و مطالعه تاریخ نیز نشان از تأثیرات مثبت تعصب دینی در پایداری امت‌ها و از میان برداشتن اختلافات دارد. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، صص ۱۳۱-۱۳۹)

اصل دوم: برتری جویی

اتحاد و برتری جویی (وفاق و الغب) دو ستون قوی و دو رکن استوار در دیانت اسلامی است که تلاش برای به ثمر رساندن آن بر مسلمانان واجب شده است. دستیابی امت‌ها به عظمت به میزان تلاششان برای برتری جویی و چیره شدن بر سایر امت‌ها بستگی دارد. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، صص ۱۶۳-۱۶۵)

می‌توان فرمان به فتح و آمادگی نظامی را از مؤلفه‌های برتری جویی در اندیشه سیدجمال برشمرد. فرمان به فتح از مؤلفه‌های نظری این اصل است. آموزه‌های اسلام بر خلاف مسیحیت دعوت به کسب قدرت، فتح، پیروزی و سرافرازی دارد. این دین پیروان خود را از پذیرفتن هر قانونی که با شریعت ناسازگار است، برحذر داشته و آن‌را بر نپذیرفتن ولایت بیگانگان سفارش می‌کند. همچنین از پیروان خود می‌خواهد که بر علوم نظامی، مهارت‌هایی همانند طبیعت، شیمی، وزنه‌کشی، مهندسی و... تسلط یابند.

اصل سوم: آمادگی نظامی

فرمان آموزه‌های اسلام به قدرت نظامی و آمادگی دفاعی بر پایه فراز «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال/۶۰) هم به‌عنوان یک اصل مستقل برای دستیابی به امت معیار در اندیشه سیدجمال قابل بررسی است و هم می‌توان آن‌را از مؤلفه‌های رفتاری مهم در برتری جویی و غلبه برشمرد که مانع ورود بیگانگان می‌شود. سیدجمال فراز پیش‌گفته را با فراز «فَمَا لَهُؤْلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا» (نساء/۷۸) پیوند داده و این پیوند را اینگونه تقریر می‌کند که این فرمان خداوند، غافلان را آگاه می‌سازد و به فراموشکاران یادآوری می‌کند. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، ص ۱۱۸؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، الف، ص ۲۰۳) همچنین نویسنده سبب امر قرآن به آمادگی دفاعی را برپایه فراز پسین «تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» ارباب و ترساندن دشمنان می‌داند نه خون و خونریزی. (اسدآبادی، ۱۴۲۳، ص ۱۲۸)

برای حکیم و نادان روشن است که ملت‌ها بایستی باتوجه به شرایط زمان، خود را در مقابل هجوم بیگانگان آماده سازند و غفلت در این مطلب خسارت‌های زیان‌باری به بار می‌آورد. آگاهان از آموزه‌های اسلام تصور می‌کنند، مسلمانان در کسب قدرت و اختراع آلات جنگی از سایر ملت‌ها پیش‌تاز هستند؛ اما عملکرد مسلمانان رنگی از این آموزه‌ها ندارد. سستی آنها را فرا گرفته و بیگانگان به دلیل نداشتن آلات و فنون نظامی بر آنها چیره شده‌اند. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، ص ۱۱۸؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، الف، ص ۲۰۳)

اصل چهارم: حاکم عالم و بی‌میل به نژاد

این اصل هم به‌عنوان یک اصل مستقل قابل بررسی است و هم از وظایف عالم به‌شمار می‌آید. در باور سیدجمال امت اسلام بایستی حکومت واحد داشته باشند یا حاکمان کشورهای گوناگون اسلامی باید با یکدیگر متحد شوند. انتخاب زمامدار برای مردم به وقوف بر احکام شریعت، قدرت بر اجرای آن و رضایت امت بسته است و شرایطی مانند خضوع در برابر مردم، وراثت به جنس، قبیله، قدرت بدنی، قدرت مالی در انتخاب زمامدار بی‌اثر است. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳: ۱۰۵-۱۰۶)

اصل پنجم: به‌کارگیری آموزه‌های قرآن

تنها خوانش و مطالعه آموزه‌های قرآن برای رسیدن به امت مطلوب کافی نیست؛ بلکه باید هم به این آموزه‌ها عمل کرد و هم افراد و امت‌ها آیات قرآن را ملاک ارزیابی و محاسبه اعمال خود و امت قرار دهند.

سیدجمال عظمت مسلمانان را در قرن‌های نخستین بازگویی کند و آنها را معیار و مصداق پایبندی و عمل به آموزه‌های قرآن میداند و دستیابی آنها به شکوه و قدرت را براین اساس تحلیل می‌کند. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳: ۱۵۷-۱۵۸)

نویسنده آیات ۴۴ و ۴۵ سوره توبه را قضا و حکم الهی می‌داند که نشان می‌دهد عطا جان و مال در راه ایمان و عمل به نقشهای خود به صورت خودجوش از نشانه‌های ایمان است. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ح، ص ۱۹۷)

او از سنجش اعمال براساس قرآن و زنده‌بودن قرآن در میان مسلمانان به دلیل فراز «وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ» (بقره/۷۴) سخن می‌گوید. کسی را که قرآن مدح و ستایش کند، ستوده راستین است و کسی را که بر او خشم گیرد، زشت کار واقعی است. کتاب خدا در میان مسلمانان منسوخ نشده پس مسلمانان باید آن را بر اعمال خود حاکم سازند و اعمال خود را با کتاب خداوند ارزیابی نمایند. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳و، ص ۱۶۲)

سیدجمال با اشاره به آیات قرآن عملکرد مسلمانان معاصر خود را با آیاتی از قرآنی که درباره ایمان حقیقی و ایمان توهمی سخن می‌گوید، به چالش می‌کشد و روشن می‌سازد عملکرد هم‌کیشانش رنگ و بویی از ایمان ندارد و دلیل شرایط آشفته آنها خود آنها هستند. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ک، صص ۲۱۴-۲۱۵)

از آنچه گذشت چند نکته به دست می‌آید. نخست آنکه سیدجمال تأکید بر عمل به آموزه‌های قرآن و ارزیابی پیاپی اعمال افراد و امت‌ها با آیات قرآن دارد. دیگر آنکه مسلمانان نخستین مصداق پایبندی به آموزه‌های قرآن هستند. سوم آنکه مسلمانان معاصر از ایمان حقیقی فاصله زیاد و تنها تصور و توهم ایمان دارند.

اصل ششم: عدالت

از دیگر اصول امت مطلوب عطاکردن حق و قراردادن هرچیز و هرکس در جایگاه مناسب خود است و همان عدلی است که خداوند در فراز «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل/۹۰) به آن فرمان می‌دهد. نویسنده عدل را از صفات برتر الهی و حکمتی می‌داند که خداوند حکیم عادل و لطیف خیر آنرا در فراز «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (بقره/۲۶۹) قرین خیر کثیر قرار داده و به واسطه آن بر بندگان خود منت گزارده است.

این مطلب از اسباب مهم حفاظت، برقراری نظم، استواری پایه‌های قدرت و تحکیم ملک است. حکمتی است که آسمانها و زمین به واسطه آن پابرجاست. خروج از اعتدال در هر جای عالم انحطاط و فروپاشی را به همراه دارد، ظلم و ستم نیز خروج از اعتدال در جامعه بشری است که موجب فروپاشی جامعه می‌شود. به همین دلیل خداوند به عدل تأکید و از ظلم باز می‌دارد. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳الف، ص ۲۰۴)

اصل هفتم: شایسته‌سالاری

شایسته‌سالاری هم به‌عنوان اصلی مستقل و هم به‌عنوان یکی از مولفه‌های عدالت قابل بررسی است. سیدجمال تنها تجهیزات دفاعی و وسایل جنگی را برای حراست از یک ملت کافی نمی‌داند و با استناد به آیه ۱۱۸ سوره آل عمران و فراز «لَا تَتَّخِذُوا عَدُوَّيْ وَاَوْلِيَآءَ تَلْقَوْنَ اِلَيْهِمْ بِالْمُودَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ» (ممتحنه/۱) حفاظت را نیازمند انتخاب صحیح افراد با عنوان «بطانة الملك» برای انجام امور مهم مملکت می‌داند. او سردمداران را از اعتماد به افرادی که شایستگی اعتماد ندارند، باز می‌دارد.

این افراد بایستی در زمان صلح و امنیت کوشش کنند، تا پایه‌های حکومت را با گستراندن بساط راحتی، ساختن حکومت بر قواعد عدل، وادارکردن کارگزاران خود بر رعایت حدود شریعت و مراقبت از روابط مملکت با سایر ممالک اجنبی پایدار سازند. ویژگی مهم این گروه افزون بر تدبیر، عقل و مهارت، احساس عاطفی و قلبی با ملت است؛ چراکه افرادی می‌توانند به این امور مهم اهتمام‌ورزند که قلب‌هایشان آکنده از عشق به ملت باشد. مواجه آنها هنگام چالش‌های ملت همانند زمانی است که خود دچار بیماری و درد هستند.

در چگونگی انتخاب این افراد باید از قانون فطرت و ناموس طبیعت پیروی کرد؛ چراکه پیروی از این قانون اندیشه را از خطا حفظ می‌کند و دقایق و ظرایف را آشکار می‌سازد. انواع خطاهای کلی یا جزئی که در عالم انسانی به وقوع می‌پیوندد به علت انحراف از قانون فطرت و سنت‌هایی است که خداوند در جهان آفرینش قرارداده‌است.

از احکام ثابت این است که شفقت، رحمت و تعصب به دولت و کارگزاران هنگامی پدیدمی‌آید که افراد دارای اصلی استوار در امت باشند و این همان قانون فطرت است که خداوند انسان را بر بنیان آن آفرید و آیه ۳۰ سوره روم به آن اشاره دارد، گویی مقصود او از این اشاره این است که سنت‌های الهی منطبق با فطرت انسان هستند.

براین اساس ولی امر دولت بایستی امور مهم امت را به یکی از این دو گروه بسپارد. گروهی که در ملیت متصل به دولت و از ضعف میرا است یا گروهی که در دین با آنها اشتراک دارند. البته ادیانی چنین شایستگی را دارند که در آنها دیانت مشترک مبنای ملیت افراد قرار گیرد و اسلام از چنین امتیازی برخوردار است. بیگانگان حتی با داشتن صداقت به سبب نداشتن احساس عاطفی از چنین شایستگی برخوردار نیستند و در صورت نیت‌های نادرست امت را به انحطاط می‌کشانند. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳، صص ۱۷۶-۱۷۸؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ الف، صص ۲۰۰-۲۰۱)

اصل هشتم: بهره‌گیری از مشورت

خداوند در فراز «و شاورهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران/۱۵۹)، به پیامبر خود با وجود آنکه معصوم از اشتباه است، مشورت را می‌آموزد و به آن ارشاد می‌کند. در فراز «و أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری/۳۸) مؤمنان را برای استفاده از مشورت مدح و ستایش می‌کند. نویسنده با استناد به آیه ۶۸ سوره مومنون خوانندگان را به تفکر و بصرت فرامی‌خواند.

نویسنده در اهمیت مشورت از دو مقدمه بهره می‌گیرد. در مقدمه نخست آفرینش اجتماعی حیات انسان را با استناد به آیه ۱۳ سوره حجرات یادآوری می‌شود. در مقدمه دوم از ناتوان بودن هر فرد انسان و آگاهی و علم اندک او سخن می‌گوید که سبب می‌شود، به تنهایی نتواند از فوائد آگاهی یابد و زیان‌ها را بشناسد. براین اساس مشورت و استفاده از عقل سایرین اهمیت زیادی در زندگی انسان دارد و برای حاکمان استفاده این اصل از اهمیت فزون تری برخوردار است. حاکمان به میزان وسعت سلطنت خود به مقدار افزون تری بایستی از این اصل بهره‌گیرند. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ الف، صص ۲۰۱-۲۰۳)

اصل نهم: ورود علما در صحنه اجتماع

سیدجمال با استناد به آیات ۱۰۴ سوره آل عمران و ۱۲۲ سوره توبه برآن است نجات از شرایط نابسامان مسلمانان، در گرو ورود عالمان به صحنه اجتماع است. عالم در اندیشه او تنها یک نظریه پرداز و تبیین گر باورها نیست؛ بلکه افزون بر غنای علمی و نظریه پردازی به صحنه اجتماع وارد می‌شود، از چالش‌ها آگاهی می‌یابد، در عرصه سیاست، تربیت گام برمی‌دارد. نویسنده برپایه این آیات معتقد است تا زمانیکه قرآن در میان مسلمانان تلاوت می‌شود، سنت پیامبر، سیره خلفای راشدین و سلف صالح در میان آنهاست، امید به اصلاح مسلمانان وجود دارد و شرایط نامساعد آنها پایدار نخواهد ماند. این شرایط امتحان الهی و به دلیل کوتاهی مسلمانان در انجام وظایف خود است. راهکار خروج از این چالش و بحران این است که علمای اسلام به وظایف خود عمل کنند. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ الف، صص ۲۰۴-۲۰۵) او وجود گروهی را در هر ملت که کارشان تعلیم و آموزش سایر افراد ملت باشد، از عوامل سعادت بشر و از ارکان اسلام به شمار می‌آورد. (اسدآبادی، ۱۴۲۳، ص ۱۹۶)

شاید بتوان فراز «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» را اشاره به غنای علمی عالم و فرازهای «وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ» و «يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» را اشاره به نقش اجتماعی عالم در اندیشه سیدجمال برشمرد. گفتارهای سیدجمال درباره این اصل را می‌توان در دو بخش ویژگی‌های عالمان و وظایف عالمان بررسی نمود.

ویژگی‌های عالمان

سیدجمال از علما بانام خبیر حکیم، راسخان در علم، حافظ شریعت، روح و فرماندهان امت محمدی، امنا الدین، حاملان عرش و اوصیای خدا بر مؤمنان یاد می‌کند که پرچم اسلام را برافراشته می‌سازند. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ الف، صص ۲۰۴-۲۰۵؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ب، ص ۱۷۵) که وظیفه افزونتر و حساستری نسبت به سایر افراد دارند. مفسر نیز در اندیشه او از شمار عالمان است که می‌تواند در قالب تفسیر قرآن مسلمانان را از این چالش رها سازد. البته نویسنده تصریحی به همانندی عالم و مفسر ندارد؛ ولی از اقدامات و فحوای سخنان او چنین برمی‌آید که او مفسر را از مصادیق بسیار مهم عالم می‌داند.

اندیشه همسانی عالم و مفسر اسدآبادی را برآن داشت که هنگام انتشار اخبار تفسیر سیداحمدخان برای همراهی و اصلاح شرایط مسلمانان به‌سوی او بشتابد چراکه مفسر در دوران سالخوردگی و پختگی سنی قرارداد و تجربیات زیادی کسب کرده و سفرهای فراوانی به سرزمین‌های غربی داشته‌است و هم تفسیر خود را جهت اصلاح مسلمانان معرفی می‌کند. او هنگام آشنایی با آن تفسیر و نیافتن مؤلفه‌های تفسیر و مفسر مطلوب، به‌نقد آن همت می‌گمارد و درمی‌یابد که نه این تفسیر برای اصلاح مسلمانان نوشته‌شده و نه آن مفسر مصلح است. هدف از نوشتن این تفسیر از بین بردن اعتقادات مسلمانان و خدمت به بیگانگان است و در این زمان که مسلمانان در بحران به‌سرمی‌برند بیماری خطرناکی است که به سقوط جامعه یاری می‌رساند.

او هنگام نقد تفسیر سیداحمدخان در نگاشته تفسیر مفسر، تصور خود را از تفسیر مطلوب به‌تصویر می‌کشد و نشان می‌دهد مفسر مطلوب در نزد او همان عالم حکیم خبیر و اصلاحگر چالش‌های مسلمانان است. از طریق این نگاشته می‌توان به طرح تفسیری و بایسته‌ها و نبایدهای تفسیری در اندیشه سیدجمال دست‌یافت.

در باور سیدجمال، مسلمانان در انتظار افکار عالی، حکمت حکیم، تدبیر یک فرد خبیر و مجددی هستند تا عقل‌ها و نفوس‌ها را اصلاح کرده، دوباره آنها را تربیت نیکو کند و سبب رستگاری مسلمانان گردد. این انتظار بر دو اساس استوار است نخست آنکه پریشان‌حالی، ضعف و سستی در تمام طبقات از ویژگی‌های جوامع مسلمان است. دیگر آنکه انحطاط به‌شکل کامل در میان مسلمانان راه نخواهد داشت چراکه یقین دارد، خداوند حق مطلق است و دیانت راستی و شریعت برحق را نابود نخواهد کرد. (اسدآبادی، ۱۴۲۳ ح، صص ۱۹۱-۱۹۶)

اسدآبادی، از علما زمان خود به‌دلیل یادگیری غیرکاربردی علوم نقد می‌کند که علوم موردنیاز را می‌آموزند؛ اما از غایت و هدف علوم بی‌بهره‌اند. علم نحو می‌آموزند؛ اما بر صحبت کردن، نوشتن و فهم مطالب عربی، توانایی ندارند درحالی‌که غایت و هدف علم نحو توانایی بر این امور است. علم معانی‌ویبان برای آن است که فراگیرنده آن خطیب و شاعر گردد، اما فراگیران این علم در میان مسلمانان بهره‌ای از این غایت نبرده‌اند. هدف از یادگیری علم منطق شناخت حق از باطل است؛ اما با وجود رواج این علم، خرافات در میان علما مسلمانان رواج بسیار دارد. علم حکمت بایستی به فراگیرنده توانایی دهد تا اسباب، علل، لوازم و ملزومات موجودات خارجی را بیابد؛ درحالی‌که حکمای مسلمانان از این امور غافل‌اند. (اسدآبادی، ۱۴۲۳ ی،

وظایف عالم

مفسر مطلوب در باور سیدجمال مفسری است که با تفسیر آیات قرآن مشکلات و چالش‌های مسلمانان را در حوزه‌های گوناگون از میان بردارند. از این نوع تفسیر امروزه با عناوین عصری، اجتماعی، هدایتی و تربیتی یاد می‌شود، در اصل و چگونگی تفسیر عصری میان دانشمندان این فن نظرات متعدد و گاه ناسازگاری وجود دارد. وظایف و نقش‌های عالم و مفسر را در اندیشه سیدجمال میتوان در دو عرصه سیاسی و تربیتی و اجتماعی بخش‌بندی نمود. از نقش سیاسی عالم در اصل چهارم سخن رفت و اینک از نقش تربیتی و اجتماعی عالم سخن خواهیم گفت.

آگاهی‌بخشی

علما بایستی جاهلان و غافلان را به واجبات و فرائض دین آگاه‌سازند. عقل‌ها را با معارف حق آراسته‌سازند، مسیر سعادت را به بشر بیاموزند و او را از انواع بدعت‌ها، انحرافات و عادات ناپسند که منطبق بر کتاب خدا نیست، برهانند. توجه‌دادن به عقاید صحیح، وحدت کلمه میان مسلمانان را در پی خواهد داشت که موجب جلوگیری از نفوذ و تسلط بیگانگان می‌گردد. از نگاه او تا زمانی که ملت و جوامع از عقاید حق و راستین برخوردار باشند، مرگ در آن راه ندارد. شاهد این مطلب دولت عثمانی و انجمن عروۃ‌الوثقی است که خود بنیان‌گذار آن در مصر بود.

آنها باید صفات فاضله و فوائد آن، اخلاق پست و زیان‌های آن را برای مردم بازگو کنند. روح و معانی قرآن را در میان مردم زنده کنند و مردم را به سوی پیمان الهی فراخوانند که تخلف در آن راه ندارد. همچون غزالی اصول ثابت دین را به مسلمانان بیاموزند، سنن سلف صالح و نعمت‌های الهی بر گذشتگان را به مسلمانان یادآوری کنند. عاقبت نیکو در صورت استقامت و عاقبت نافرمام در صورت نافرمانی را برای آنها بازگو نمایند. بر پایه آیه ۲۶ سوره زمر قصه امت‌های پیشین و قضای الهی در صورت نافرمانی را برای آنها بیان نمایند. (اسدآبادی، ۱۴۲۳ط، صص ۵۷-۶۳؛ اسدآبادی، ۱۴۲۳و، صص ۱۰۱-۱۰۳؛ اسدآبادی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۱؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ل، صص ۱۴۶-۱۴۸؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ک، ص ۲۱۶؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳الف، صص ۲۰۴-۲۰۵)

انگیزه‌بخشی

یکی از وظایف علما، انگیزه‌بخشی و امید بخشیدن به مسلمانان است. مفسر بایستی ناامیدی را در میان مسلمانان با بیان وعده‌های الهی همانند «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا» (نور/۵۵) از میان بردارد. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳الف: ۲۰۴-۲۰۵)

اصلاح و ساخت امت

مفسر مطلوب در باور سیدجمال تمام کوشش خود را برای تربیت و اصلاح مسلمانان به کار می‌گیرد و تلاش دارد امت اسلام به شرایط ترقی و نخستین خود بازگردند.

در حوزه نخبگان و افراد تأثیرگذار فرمانروایان را با عبرت‌دادن از گذشتگان و با توکل به خدا بیدار می‌سازد. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳و، ص ۱۶۲) علمای امت اسلام را با مرکزیت بیت الله الحرام با یکدیگر متحد می‌سازد، تا بتوانند دین را تقویت و از تجاوزات حفظ‌نمایند و نیازهای ملت را برآورده‌سازند. از دیگر مزایای اتحاد علماء، امکان گسترش دانش، روشنگری،

فهم و حفظ دین از بدعت است. در صورت ایجاد بدعت با اتحاد علما میتوان قبل از انتشار میان توده مردم آن را پاک کرد. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ط، صص ۱۲۶-۱۲۷)

تدابیر لازم برای وحدت مسلمانان بر بنیان قرآن را به کار می‌گیرد. رابطه دینی را احیاء می‌کند و اختلافات مسلمانان را با فراخواندن به سوی دین از میان برمی‌دارد. امر به معروف و نهی از منکر می‌کند. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ط، صص ۱۲۶-۱۲۷؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ و، ص ۱۴۷؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ک، ص ۲۱۶؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ب، صص ۱۶۹-۱۷۵) به عمل واداشتن مسلمانان از دیگر تدابیر اوست. به مسلمانان می‌آموزد نخستین نشانه کسی که ایمان در قلب او وارد شده است، تقدیم مال و جان خود در این راه بدون هیچ‌گونه عذر و بهانه است و هرگونه عذر در کوتاهی از یاری راه خداوند، نشانه نفاق و دوری از خداوند است. سیدجمال دفاع از ملت مسلمان را بر هر مسلمانی واجب و لازم می‌داند. (اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ و، ص ۱۴۷؛ اسدآبادی و عبده، ۱۴۲۳ ک، ص ۲۱۶)

از نگاه او علما بایستی در میان عموم مردم و پیگیر وقایع باشند و از شرایط روز جامعه آگاهی یابد. چراکه از دیگر نقش‌های علما این است که منافع امت را بلافاصله و در هر جا اعلام نمایند. آنها بایستی دوست امت را از دشمن بشناسند و لباس تبلییس پاره کنند. از کمینگاه‌های شر و شقاق خبر دهند تا افراد از آن اجتناب نمایند. بیماران را به طبیبان ماهر، جاهلان را به رهبری عالمان و فقرا را به جایگاه‌های کسب ثروت هدایت کنند. (اسدآبادی، ۱۴۲۳ ح، ص ۲۰۱)

نتیجه

سیدجمال‌الدین اسدآبادی بنیان‌گذار رویکرد اجتماعی، تربیتی و عصری در دانش تفسیر در سده معاصر است. به دلیل تأثیرگذاری سید بر جریان‌های علمی، فرهنگی و سیاسی بازسازی اندیشه او به‌ویژه اندیشه‌های قرآنی‌اش اهمیت به‌سزا دارد. در باور سید اسلام برترین دین است و دستیابی به تعالی یا انحطاط تصادفی و جبری نیست؛ چراکه از یک‌سو تاریخ قانونمند است و از دیگر سو انسان‌ها و به‌ویژه علما در تعالی یا انحطاط خود و امت خویش نقشی بنیادین دارند. چگونگی تلاش و انتخاب آنها، چگونگی تعالی یا انحطاط او را رقم می‌زند.

پژوهش حاضر اصول دستیابی به تکامل در اندیشه سیدجمال را بازسازی کرد و آن را در دو حیطة نظری و عملی بخش‌بندی نمود. این فرآیند روشن ساخت سیدجمال با خوانش، فهم و تفسیر آیات قرآن بر آن است که امتی دارای اندیشه استوار، آگاه و عمل‌کننده به آموزه‌های قرآن، آراسته به فضایل اخلاقی رقم زند، فضایی که هم در سطح فردی همانند باور به کرامت انسان و هم در سطح جمعی همانند پایبندی به وحدت و ارزشمند دانستن ارزشها و هم در ساحت سیاسی مانند آمادگی نظامی جریان‌دار؛ تا امت نخستین بازسازی شده و مسلمانان به مسیر کمال بازگردند.

عالم و مفسر قرآن در اندیشه او نقش بایسته در تعالی امتهما دارد و تنها یک تئوریسین و نظریه‌پرداز نیست؛ بلکه از شرایط زمان خود آگاه و عالم حکیم‌خبیر و راسخ در علم و اصلاحگر شرایط است. علم و مفسر در ساحت نظری بایستی افزون‌بر احاطه علمی بر اندیشه‌های دینی، از چالش‌های مسلمانان آگاهی یابد، پاسخ چالش‌های کلان جامعه را از قرآن کشف نماید. در ساحت عمل با دیگر عالمان، حاکمان و مردم در تعامل بوده و در عرصه سیاست و حاکمیت کشور وارد شوند و یافته‌های خود را به مرحله اجرا درآورد. چنین عالمانی بایستی با هم‌فکری با دیگر علما برای چالش‌های پیشرو راهکار بیابند و در وحدت و یکپارچه نگاه داشتن مسلمانان تمام کوشش خود را در سطح عموم مردم و در سطح خواص اعم از سیاسیون و اندیشمندان به‌کارگیرند و اینگونه امت را به مسیر کمال و تعالی هدایت نمایند.



فهرست منابع

قرآن کریم

- اسدآبادی، جمال الدین. (۱۳۹۸). اسلام و علم به ضمیمه قضا و قدر و ترجمه سخنرانی ارنست رنان. کلبه شروق.
- اسدآبادی، جمال الدین. (۱۴۲۳ الف). الادیان الثلاثة متفقہ فی المبدأ و الغایہ (خاطرات جمال الدین الحسینی الافغانی). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین. (۱۴۲۳ ب). الاعجاز فی ایجاز منبر الخطبہ صوت التعليم و الايقاظ (خاطرات جمال الدین الحسینی الافغانی). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین. (۱۴۲۳ ج). التعصب الجنسي و التعصب الديني (خاطرات جمال الدین الحسینی الافغانی). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین. (۱۴۲۳ د). الرد علی الدهرين (الرسائل فی الفلسفه و العرفان). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین. (۱۴۲۳ هـ). السنه و الشيعة و مطامع الملوك فی جهل الأمة (خاطرات جمال الدین الحسینی الافغانی). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین. (۱۴۲۳ و). دربارہ دین و فلسفه (مجموعه رسائل و مقالات). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین. (۱۴۲۳ ز). دعوة الاسلام الدين و الحقایق العلمیة (خاطرات جمال الدین الحسینی الافغانی). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین. (۱۴۲۳ ح). رساله تفسیر مفسر (مجموعه رسائل و مقالات). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین. (۱۴۲۳ ط). رساله نیچریه در حقیقت مذهب نیچری و بیان حال نیچریان (مجموعه رسائل و مقالات). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین. (۱۴۲۳ ی). مسائلی دربارہ تعلیم و تربیت (مجموعه رسائل و مقالات). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین؛ وعبدہ، محمد. (۱۴۲۳ الف). اسباب الحفظ الملك (عروہ الوثقی). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین؛ وعبدہ، محمد. (۱۴۲۳ ب). الأمل و طلب المجد (عروہ الوثقی). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین؛ وعبدہ، محمد. (۱۴۲۳ ج). التعصب (عروہ الوثقی). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین؛ وعبدہ، محمد. (۱۴۲۳ د). الجنسیة و الديانة الاسلامیة (عروہ الوثقی). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین؛ وعبدہ، محمد. (۱۴۲۳ هـ). النصرانیة و الاسلام و اهلها (عروہ الوثقی). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین؛ وعبدہ، محمد. (۱۴۲۳ و). الوحدة الاسلامیة (عروہ الوثقی). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین؛ وعبدہ، محمد. (۱۴۲۳ ز). الوحدة و السیادة (عروہ الوثقی). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین؛ وعبدہ، محمد. (۱۴۲۳ ح). امتحان الله للمؤمنين (عروہ الوثقی). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین؛ وعبدہ، محمد. (۱۴۲۳ ط). انحطاط المسلمین و سکونهم و سبب ذلك (عروہ الوثقی). مکتبہ الشروق الدولية.
- اسدآبادی، جمال الدین؛ وعبدہ، محمد. (۱۴۲۳ ی). رجال الدولة و بطانة الملك (عروہ الوثقی). مکتبہ الشروق الدولية.

اسدآبادی، جمال‌الدین؛ وعبدہ، محمد. (۱۴۲۳ک). سنن الله فی الامم و تطبیقها علی المسلمین (عروۃ الوثقی). مکتبۃ الشروق الدولیۃ.

اسدآبادی، جمال‌الدین؛ وعبدہ، محمد. (۱۴۲۳ل). قضا و قدر (عروۃ الوثقی). مکتبۃ الشروق الدولیۃ.
اسدآبادی، جمال‌الدین؛ وعبدہ، محمد. (۱۴۲۳م). کم حکمۃ الله فی حب المحمدۃ الحقیۃ (عروۃ الوثقی). مکتبۃ الشروق الدولیۃ.

اسدآبادی، جمال‌الدین؛ وعبدہ، محمد. (۱۴۲۳ن). لفضائل و الرذائل و اثرهما (عروۃ الوثقی). مکتبۃ الشروق الدولیۃ.
اسدآبادی، جمال‌الدین؛ وعبدہ، محمد. (۱۴۲۳ص). ماضی الامۃ و حاضرها و علاج عللها (عروۃ الوثقی). مکتبۃ الشروق الدولیۃ.
اسدآبادی، جمال‌الدین؛ وعبدہ، محمد. (۱۴۲۳ع). و نُریدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِینَ اسْتَضَعُّوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ (عروۃ الوثقی). مکتبۃ الشروق الدولیۃ.
اصدق پور، محمد. (پاییز و زمستان ۹۵). آراء تفسیری سیدجمال‌الدین اسدآبادی و ابعاد اجتماعی آن. دین و دنیای معاصر، (۵)، ۱۹-۳۶.

اصدق پور، محمد. (۱۳۹۸). بررسی آراء و نگرشهای قرآنی سیدجمال‌الدین اسدآبادی. امین‌نگار.
الدغامین، خلیل‌زاد محمد. (۱۳۸۶). تأثیر سیدجمال بر رویکرد تفسیر در دوره معاصر. (علی خیاط، مترجم)، مجله تخصصی الهیات و حقوق، (۲۵)، ۱۶۵-۱۷۵.
شیرودی، محمدسجاد. (۱۳۹۸). سیدجمال‌الدین اسدآبادی و زمین‌های احیا و پیشرفت تمدن اسلامی. نشریه علمی تمدن اسلامی و دین پژوهی، (۲)، ۶۸-۸۳.
طیب‌حسینی، سیدمحمود. (۱۳۹۶). تفسیرشناسی: مبانی، منابع، قواعد، روش‌ها و گرایش‌ها. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی